

سخن مدیر مسؤول

بسم الله الرحمن الرحيم

خدای را بر آفریدگانش دو حجت است: حجت آشکار، که پیامبران و جانشینان بحق آنان اند، و حجت پنهان که عقل سرشنthe شده در نهاد مردمان است. (اصول کافی، کتاب العقل والجهل، حدیث ۱۲)

این کلام بلند امام کاظم^{علیه السلام}، نشانگر راهی روشن فرا روی انسانها است که هر چه بیشتر در آن درنگ و تأمل کنیم، پرده‌هایی دیگر از حقایق الهی پیش روی ما بالا می‌رود. یک نکته مهم در این سخن نورانی الهی، آن است که این دو حجت، هر دو از ناحیه خدای آفریدگار، مأموریت یافته‌اند تا بندگان او را هدایت کنند. از این رو، هیچگاه از هم جدایی ندارند، و همواره با هم و در کنار هم، مشعل برای رهنمونی بشر، بر می‌افروزنند.

* * *

ارزش این گوهر والای کان ولایت، بالاتر از توضیح یاد شده است. بر مبنای آموزه‌های وحیانی، اساساً یکی از مهمترین اهداف پیامبران، برانگیختن و بیدار کردن عقول آدمیان است. این حقیقت را وصیٰ بحق انبیای الهی، امام امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در جمله‌ای کوتاه چنین بیان می‌دارد:

«بعث فيهم رسلا ... ليثروا لهم دفائن العقول» (نهج البلاغه، خطبه ۱).

دفینه چیست؟ دفینه، سرمایه‌ای است متعلق به یک انسان، که خودش از آن مالکیت، بی‌خبر است. هر کس خاک‌ها را به کناری زند و دفینه متعلق به یک فرد را به او نشان دهد، سرمایه‌ای عظیم به او نمایانده است. و آن فرد - اگر قدرشناس باشد - خود را همواره مديون می‌داند نسبت به راهنمای دلسوزی که دفینه را به او نمایانده است.

* * *

چنین است که خرد پیشگان خردو رز، همواره خود را مديون پیامبران و جانشینان بحق آنان می دانند، چرا که نه تنها با عقل همراه و توأمان اند، بلکه اساساً به احیای این نعمت خداداد الهی برخاسته اند و همواره گرد و غبار غفلت را از روی آن می زدایند، تا انسان به مدد این گنج بی رنج - که موهبت واهب العطاها است - در ادامه راه تا نهایت بی پایان دنیای واپسین، به سلامت راه سپرد.

* * *

كلمات جاودانه امير خردها و پیشگام خردو رزان صلوات الله عليه، خوان احسان را بدان سان برای سالکان راه هدایت گسترد که تمام آنان، خود را مديون حضرتش می دانند. افرون بر آن، خورشید هدایت اين کلمات را به گونه ای پرتو افکن می دانند که هر سخن زیبا از هر حکیم و عارف و فرزانه ای را در برابر آن، مانند پرتو لرزان شمعی در پیشگاه خورشید می بینند.

سخن ابوالفتوح، مفسّر حکیم شیعی قرن ششم، بسیار ژرف و راهگشا است، که پس از نقل خطبه‌ای از امام امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر خود (ذیل آیه ۳۴ سوره احقاف) می‌نویسد: «این خطبه، جامع است این معنی را که لایق این آیت است. و به عوض آن آوردم که در تفسیرها آورده‌اند از کلام زهاد و سیر عباد. و برای آن به پارسی نیاوردم تا رونق فصاحت و مبالغت در بلاغت، از کلام اول علیه السلام - که بر او مسحه‌ای از طلاوت کلام نبوی است و طراوتی از کلام ربّانی - به توفیق الهی فوت نشود. و این یک خطبه از کلام او، اینجا بس است. (تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱۷، ص ۲۶۹)

* * *

ابوالجاد محمد بن مسعود تبریزی دانشمند شافعی قرن هشتم، در مجموعه نویافته «سفینه تبریز» - که در سالهای ۷۲۱ تا ۷۲۳ تدوین کرده - صد کلمه از کلمات قصار علمی را گزیده و در صدر آن می‌نویسد «روی عن علی بن ابی طالب کرم الله وجهه مائة کلمة تفه کل کلمة منها بآلف من محسن الآداب (ظ: آداب) کلام العرب. ولو قلت أَنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ يَعْجَزُ عن مفهومها لصدقت». «از علی بن ابی طالب کرم الله وجهه صد کلمه روایت شده که هر یک از آنها با هزار



سخن از نیکوترين سخنان کلام عرب برابری می‌کند. و اگر بگويم که تمام اهل زمين از آوردن مانند آن ناتوان اند، به یقين راست گفته‌ام» (سفينه تبريز، چاپ عکسي مرکز نشر دانشگاهي، ۱۳۸۲، ص ۹۹)

* * *

با کمترین پژوهش، نمونه‌هایی دیگر از این گونه سخنان در بیان اهل نظر، اعم از شیعه و سنّی و مسیحی و غیر آنان می‌توان یافت. نمونه را، به سخن فقیه بزرگ قرن چهاردهم، مرحوم آیة‌الله میرزا محمد حسین نایینی بنگریم که پس از اعطای اجازه روایت به یکی از دانشوران معاصر خود، در توصیه به او می‌فرماید:

«او را سفارش می‌کنم بدانچه امیرالمؤمنین صلی الله علیه و آله الطاهرين فرزند خود ابامحمدحسن^{علیه السلام} را پس از بازگشت از صفین توصیه فرمود. بخشی از آن وصیت، که وصیت نامه حضرتش به تمام شیعیان است تا روز قیامت، این کلام از آن امام همام است که فرمود:

فَإِنْ أَوْصَيْكُ أَيْ بْنَىٰ بِتَقْوِيِ اللَّهِ وَ لِزُومِ امْرِهِ، وَ عَمَارَةِ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ. وَ أَحَىٰ قَلْبَكَ
بِالْمَوْعِظَةِ، وَ أَمْتَهِ بِالْزَّهَادَةِ، وَ قَرَرَهُ بِالْفَنَاءِ، وَ بَصَرَهُ فَجَائِعَ الدُّنْيَا، وَ أَعْرَضَ عَلَيْهِ أَخْبَارَ الْمَاضِينَ، وَ
ذَكَرَهُ بِمَا اصَابَ مِنْ كَانَ قَبْلَكَ مِنَ الْأُولَئِينَ.

فَانظُرْ فِيهَا فَعْلَوَا، وَ عِمَّا انتَقْلَوَا، وَ اِيْنَ حَلَّوَا وَ نَزَلَوَا. فَانكَ تجَدُهُمْ قَدْ انتَقْلَوُا عَنِ الْأَحَبَّةِ وَ حَلَّوَا
دارالغربة. وَ كَأَنَّكَ عَنْ قَلِيلٍ قَدْ صَرَتْ كَأَحَدِهِمْ، فَأَصْلَحَ مَثَواَكَ، وَ لَا تَبْعَ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ -
تا آخر آنچه در این وصیت مبارک آمده است.

وَ نَيْزَ بِرْ تَوْ بَادَ - نُورِ دِيدَهَامَ - بِهِ كَثُرَتْ تَأْمَلَ وَ تَدَبَّرَ در کلماتی که در نهج البلاغه از آن حضرت صلوات الله علیه وآل‌الطاهرين رسیده است، در خطبه‌های مبارکی که با یادکرد مرگ پیوند دارد، خصوصاً کلامی که از حضرتش روایت کرده که پس از تلاوت آیه «الهاكم التکاثر» فرمودند.^(۱)

چرا که کثرت تأمل و تدبّر در آن کلام و قرار دادن آن پیش چشمان، از ارج و جایگاه

پیغمبر



۱- این خطبه، در نهج البلاغه به تحقیق مرحوم فیض الاسلام، به شماره ۲۱۲ (ص ۶۹۴- ۷۰۳) آمده است.

(۱) ویژه برخوردار است.»

میرزای نایینی در جای دیگر، در مورد خطبه اخیر می فرماید:

« Zahedan، از کثرت تدبیر در این خطبه مبارک، به درجاتی از زهد و تقوی رسیده‌اند که

جز خدا و راسخون در علم، کسی از آن درجات خبر ندارد»^(۲)

* * *

جای شگفتی نیست از خدای احسن الخالقین، که به کلام این بندۀ برگزیده خود - امام امیرالمؤمنین صلوات الله علیه - ویژگی‌های زیادی داده است، از جمله خوب سخن گفتن، و در کنار آن: سخن خوب گفتن. کم نیستند گویندگانی که در کلام آنها، تنها یک جنبه می‌توان یافت: جمال ظاهر یا کمال باطن. اما حکمت علوی، جامع هر دو جنبه است. و دریغا! که در بررسی آن، به وجهه بیرونی آن یعنی فصاحت و بلاغت بیشتر پرداخته‌اند. و ژرف نگری درون مایه آن، سهمی کمتر در پژوهش‌ها داشته است.

* * *

در این مجال کوتاه، برای این که جان را به نظاره‌ای از چند منظر به سخنان «امیر کلام» تبرک بخشمیم، به «کلام امیر» پرداختیم. و این شماره را به «حکمت علوی» اختصاص دادیم، بوستانی پر از گلهای معطر، که جاودانه کتاب «نهج‌البلاغه» تنها «یک شاخه گل دماغ پرور» از آن بوستان معطر است. این سیر و سفر معنوی - به حول و قوّه خدای بزرگ - در شماره آینده نیز ادامه خواهد یافت.

* * *

این مجموعه کم برگ - که امید است پریار باشد - به خوانندگان پژوهنده خود، پیامی کوتاه و ژرف دارد. هدف، آن است که هر یک از این عزیزان، از خود بپرسد:



۱- این جملات، از اجازه روایتی میرزای نایینی به آیة‌الله میرزا حسین فقیه سبزواری (۱۳۰۹ - ۱۳۸۶ هجری قمری) انتخاب و ترجمه شد. ر.ک. «عمری پرافتخار، خاطرات زندگانی حضرت آیت‌الله العظمی فقیه سبزواری»، حسین نوقانی و محمد ناصری. مشهد: بورس کتاب، ۱۳۴۶، ص ۳۹ - ۴۰.

۲- بخشی از اجازه مرحوم میرزای نایینی به آیة‌الله میرزا مهدی اصفهانی، متن کامل این اجازه در منبع زیر آمده است: متأله قرآنی، محمد علی رحیمیان فردوسی، قم: دلیل ما، ۱۳۸۲، ص ۴۱۳ - ۴۱۵.

«من برای ترویج ارزش‌های نهفته در این کلمات نورانی، چه کاری کرده‌ام؟».
با امیدی روشن و باوری محکم به این نویدِ امیدِ آفرین و اپسین جانشین مولیٰ
الموالی، حضرت بقیة الله ارواحنا فداه، که فرمود:
ان استرشدَتْ، أُرْشَدَتْ وَ ان طَلَبَتْ، وَجَدَتْ (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۳۹)
اگر (به راستی) راه رشد و هدایت را بخواهی، ارشاد شوی. و اگر طلب کنی، می‌یابی.

غایله
شماره ۴

